

معرفی و تحلیل نسخه‌های خطی کلیات اشعار رشید تبریزی و بررسی سبکی آن‌ها شهلا حاج‌طالبی^۱، سیدمهدی نوریان^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد،

ایران

^۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

آثار ادبی منظوم و منثور فارسی، اسناد تاریخی موثقی از پیشینه فکری، زبانی و ادبی حوزه فرهنگی زبان فارسی به‌شمار می‌روند. معرفی نسخه‌های خطی این آثار و بررسی ویژگی‌های آن، گام مهمی در مطالعه ارزش زبانی و ادبی این دست‌نوشته‌هاست. در این جستار، با روش استقرایی به معرفی و بررسی نسخه‌های خطی کلیات رشید تبریزی و بررسی سبکی آن‌ها می‌پردازیم. رشید تبریزی از شاعران مهم عصر صفوی در قرن یازدهم هجری است که مستقیماً با دربار صفویان ارتباط داشته است. کلیات رشید تبریزی از نظر فکری، زبانی، و ادبی ویژگی‌های مهمی دارد که بررسی آن برای شناخت دقیق‌تر شعر عصر صفوی و قرن یازدهم ضرورت دارد. به‌طور کلی مهم‌ترین ویژگی‌های شعر رشید تبریزی در سطح فکری، مدح امام علی، مدح شاهان و درباریان، و شکایت از روزگار و بی‌رونقی هنر است. همچنین در سطح زبانی، کثرت لغات عربی، کثرت اصطلاحات عرفانی و بسامد بالای ترکیب‌های فاعلی، مفعولی و مصدری از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر اوست. در سطح ادبی هم بسامد بالای تشبیه و استعاره در فعل، بسامد چشمگیر متناقض‌نمایی، کاربرد انواع جناس و بسامد بالای ابیات مردف از ویژگی‌های اصلی شعر اوست.

کلیدواژه‌ها: رشید تبریزی، نسخه خطی، کلیات اشعار، سطح فکری، سطح زبانی، سطح ادبی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵

^۱E-mail: hajtalebi@yahoo.com

^۲E-mail: mehnourian@yahoo.com

ارجاع به این مقاله: شهلا حاج‌طالبی، نوریان، سیدمهدی، (۱۴۰۰)، معرفی و تحلیل نسخه‌های خطی کلیات اشعار رشید تبریزی و بررسی سبکی آن‌ها، زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز).

Doi: 10.22034/PERLIT.2021.44553.3017

۱. مقدمه

۱-۱. طرح مسئله و اهمیت پژوهش

در عصر صفوی شرایط اجتماعی و اقتصادی بستری فراهم آورد که هر کسی با هر شغل و پیشه‌ای در حدّ توان خود به شعر و شاعری روی آورد و در آن طبع آزمایی کند و چه‌بسا آثار ارزشمندی از خود برجای گذارد. این دوره از نظر تازگی خیال و باریک‌اندیشی شعرا از ادوار مهم ادبیات فارسی به‌شمار می‌رود (رک. مؤتمن، ۱۳۳۹: ۳۴۴) یکی از این شاعران، رشید تبریزی (رشیدای عباسی) است که در کنار حرفه خویش (زرگری) به طبع آزمایی پرداخته و آثار ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته است؛ ولی تاکنون تصحیح جامع و منقّحی از آثار وی صورت نگرفته است؛ از این رو احیا، معرفی و بررسی نسخ خطّی آثار این شاعر پرکار سبک هندی (که بیانگر بخشی از تاریخ فرهنگی ایران است)، ضروری به نظر می‌رسد.

هدف از انجام این تحقیق، آشنایی با نسخه‌های خطّی کلیات این شاعر ناشناخته عصر صفوی و بررسی سبک شعری اوست؛ تا هم راه برای بررسی‌های بعدی در باب شعر رشید تبریزی هموار گردد و هم گامی در جهت شناسایی بیشتر و بهتر زبان و ادبیات فارسی در دوره صفوی برداشته شود. همچنین به‌طور خلاصه مهم‌ترین و پربسامدترین ویژگی‌های فکری و زبانی و ادبی شاعر را بررسی می‌کنیم تا دورنمایی از سبک شاعر برای خوانندگان مقاله مشخص شود. این مسئله هم برای شناسایی جایگاه شاعر و اختصاصات سبکی او اهمیت دارد، و هم در مطالعه زبانی و ادبی شعر فارسی در عصر صفوی بسیار سودمند است.

۱-۲. روش تحقیق

این پژوهش به روش استقرایی و با ابزار کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از داده‌های متنی انجام می‌شود. در بررسی‌های سبکی از تحلیل‌های بسامدی نیز بهره می‌بریم.

۱-۳. پیشینه پژوهش

درباره این شاعر و آثار او چه از نویسندگان قدیم و چه از پژوهشگران معاصر، هیچ اثر مستقلی در دست نیست. تنها در چند تذکره عصر صفوی و قاجار، از جمله تذکره نصرآبادی نوشته میرزا محمدطاهر نصرآبادی، تذکره گلزار جاویدان از محمود هدایت، تذکره روز روشن نوشته محمد مظفر صبا و تذکره شعرای آذربایجان نوشته محمد دیهیم اطلاعات مختصری درباره زندگی، حرفه و شعر او آمده است.

۲. معرفی شاعر

رشید تبریزی معروف به رشیدای زرگر عباسی از شعرای قرن یازدهم هجری است. از تاریخ ولادت وی اطلاعی در دست نیست؛ ولی درباب اصل و پیشه او در تذکره‌ها اطلاعاتی آمده است. نصرآبادی درباره وی می‌نویسد: «از تبارزه عباس آباد اصفهان است. در فن زرگری و میناکاری یگانه عهد خود بوده و در فن شعر هم به اعتقاد خودش بی‌قرینه بود» (نصرآبادی، ۱۳۵۲: ۳۸۸). در تذکره گلزار جاویدان نیز آمده: «اصلش از تبریز است، در عباس آباد اصفهان سکنی داشته و در زرگری و میناکاری بی‌نظیر بوده و چندی به هندوستان رفت و باز آمد و به اعتبار صنعت خود نزد پادشاه، کمال اعتبار را داشته و شعر هم می‌ساخته» (هدایت، ۱۳۵۳، ج ۱: ۵۴۴). نیز در تذکره روز روشن آمده: «مولدش عباس آباد اصفهان بود. در زرگری و میناکاری و شاعری مهارت کامل داشت» (صبا، ۱۳۴۳: ۲۹۲). همچنین در کاروان هند آمده است که در ابتدای حال به پیاله‌کشی اشتغال داشته؛ ولی پس از مدتی به زرگری روی آورده است (رک. گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۴۴۲). در تذکره پیمانه آمده است که در دوره پیاله‌کشی مدتی عاشق پسر قهوه‌چی به نام «طوفان» بوده است (رک. گلچین معانی، ۱۳۵۹: ۱۸۴). در تذکره شعرای آذربایجان درباره تخلص او نوشته شده: «رشید» تخلص می‌کرد و در بعضی تذکره‌ها «رشیدی» ضبط شده است» (دیهم، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۵۰) در این تذکره او شاعر شاه عباس دانسته شده (رک. همان). در تذکره سخنوران تبریز درباره تخلص شاعر چنین آمده است: «تخلص وی در بعض منابع رشیدا و در پاره‌ای، رشیدی آمده است» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۶۹). همچنین در کتاب اعلام اصفهان آمده است که طبع رشید تبریزی، به هزل و هجو مایل بوده است (رک. مهدوی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۷۵)؛ درحالی که در کلیات شاعر اثری از هجویات نیست؛ تنها کنایه‌هایی به عموم شاعران نااهل و دون پایه زمان خود دارد که آن‌هم در قالب و سیاق هجو نیست.

درباره تاریخ وفات شاعر نیز تذکره مذکور سال وفات او را ۱۰۸۱ق می‌داند (رک. همان). نصرآبادی درباب تاریخ فوت او می‌نویسد: «قبل از حال تحریر فوت شد» (نصرآبادی، ۱۳۵۲: ۳۸۸). بر این اساس چنین استنباط می‌شود که شاعر قبل از سال ۱۰۸۳ق (سال تألیف تذکره نصرآبادی)، یعنی اوایل عهد شاه سلیمان، بدرود حیات گفته باشد و به احتمال زیاد همان تاریخ ۱۰۸۱ صحیح است (رک. گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۴۴۳). از دیگر تذکره‌ها و منابع اطلاع بیشتری در

مورد زندگی و احوال شاعر به دست نیامده است. به گفته خود شاعر، در عهد جوانی، سفری به هند داشته است:

روزگاری که از بهار امید هوشم از دل گل اثر می‌چید
شوق هند آتشین عنانم کرد روشناس غم جهانم کرد...
بی‌غمی گشت شمع انجمنم ظلمت آباد هند شد وطنم...

(نقش ارژنگ، گک ۳۵، بیت ۳، ۸؛ گک ۳۶، بیت ۲)

۳. آثار رشیدای عباسی

از رشیدای عباسی علاوه بر «دیباچه‌ای بر بیاض نوری» که در بخش دوم مجموعه‌ای تحت عنوان *بیاض تاج‌الدین ملتانی* به همراه چند دیباچه بیاض‌های مختلف آورده شده (رک. نوشاهی، ۱۳۶۲: ۱۲۹)، کلیات اشعاری بر جای مانده که بر اساس نسخه خطی کتابخانه ملی ملک به شماره ثبت ۵۲۶۶ به ترتیب شامل این آثار است:

۱) مثنوی‌ای که عنوان آن مخدوش و ناخواناست با موضوع عرفانی در ۱۷۵ بیت بر وزن (مفتعلن، مفتعلن، فاعلن / سریع مسدس مطوی مکشوف) هم‌وزن *مخزن‌الاسرار* نظامی گنجوی. در تذکره پیمانه به جای نام مثنوی این عبارت آمده است: «مثنوی در تتبع *مخزن‌الاسرار*» (رک. گلچین معانی، ۱۳۵۹: ۱۸۴). ما در این مقاله به صورت قراردادی نام این مثنوی را «گلشن تحقیق» نهادیم. این عبارت در این مثنوی به کار رفته است؛

۲) مثنوی «حُسن گلوسوز» در ۳۶۱ بیت به پیروی از حُسن گلوسوز زلالی خوانساری، در موضوع عرفانی با وزنی متفاوت (مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن / بحر هزج مسدس محذوف) با ماده تاریخ «گل نظم» (۱۰۴۰ق)؛

۳) مثنوی «نقش ارژنگ» یا «سبعه سیاره» در ۲۱۶۹ بیت با موضوع عرفانی بر وزن (فاعلاتن، مفاعیلن، فعولن / بحر خفیف مسدس محذوف) با ماده تاریخ «گل باغ ابد» (۱۰۶۰ق)؛

۴) مثنوی «قضا و قدر» در ۵۵۲ بیت با موضوع عرفانی بر وزن مثنوی نقش ارژنگ؛

۵) مثنوی «ساقی‌نامه» موسوم به «میکده شوق» در ۳۲۷ بیت بر وزن اسکندرنامه نظامی (فعولن، فعولن، فعولن، فعل / بحر متقارب مثنی محذوف)؛

۶) مثنوی «جواهرالاسرار» در ۲۷۵۱ بیت در مورد سنگ های قیمتی و خواص آن بر وزن (فاعلاتن، مفاعلن، فعلن / بحر خفیف مسدس محذوف)؛

۷) «دیوان اشعار» دارای ۶۳۰ بیت شامل مقطعات، ترجیع بند و ترکیب بند، مسدس ترکیب و ۷۹ رباعی.

در برخی از مثنوی ها از جمله مثنوی «قضا و قدر» شاعر در ابتدای هر بخش یک رباعی آورده که در حکم درآمدی برای آن بخش است.

۴. معرفی نسخه ها

نسخه های خطی کلیات اشعار رشید تبریزی موجود در کتابخانه های داخل و خارج از کشور، به شرح زیر است:

۱) «کلیات» متعلق به کتابخانه ملی ملک [م]^۱ به شماره ثبت ۵۲۶۶، کامل ترین نسخه موجود است. این نسخه به خط نستعلیق، با کاغذ سپاهانی، جلد میشن ضربی، جدول بندی شده به زر و رنگ ها و عنوان و جدول ها شنگرف است. زمان کتابت مربوط به قرن یازده بدون نام کاتب است و از نظر قدمت و جامعیت بر دیگر نسخه ها ارجحیت دارد که شامل ۲۵۱ برگ ۱۵ سطری و دارای رکابه است. به دلیل صحافی نادرست، به هم ریختگی در صفحات مشاهده شد که تنظیم صفحات بر اساس رکابه ها و ارتباط قسمت ها و ابیات صورت گرفت. این نسخه با بیت «نیم شبی با دو سه آشفته حال / در چمن زمزمه خونین مقال» آغاز و با بیت «تا حسن بهار را بود رنگینی / ...» انجام یافته است. تمامی ارجاعات ابیات درون مقاله به این نسخه است؛

۲) مثنوی «جواهرالاسرار» متعلق به کتابخانه دانشگاه تهران [د] به شماره ۸۷۶۶/۱ بخشی از یک مجموعه مربوط به قرن دوازده (رک. درایتی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۰۶۷) با کاغذ سپاهانی و جلد تیماج تریاکی مقوایی به خط نستعلیق، با عنوان «جواهرشناسی» (جواهرالاسرار) تألیف رشیدای زرگر عباسی تبریزی اصفهانی «دارای رکابه و جدول های شنگرف به حساب سیاق، در ۹۶ برگ (۱پ - ۹۶ ر) ۱۵ سطری ۱۶×۷، شامل ۲۶۹۲ بیت است که با «بسم الله الرحمن الرحیم» و بیت:

نوری که از او جهان تجلی زار است / گلگونه رنگ هر گل رخسار است

آغاز و با بیت:

پیش دستان زنی که اهل فن است / رنگ گلگونه سخن، سخن است

انجام یافته است و خواص برخی سنگ‌ها به نثر در بعضی برگ‌ها آورده شده؛ نام کاتب و تاریخ کتابت ذکر نشده است.

۳) «حسن گلوسوز» متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی [ج] به شماره ثبت ۱۳۴۶۳/۴۸؛ بخشی از یک مجموعه در ۱۵ برگ و ۲۹ صفحه (۳۳۳پ-۳۶۱پ) ۱۶×۵/۲۷س.م (رک. درایتی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۶۴۹) جلد تیماج مشکی سوخت ترنج با سر و لچکی زرین، لولادار و خط نستعلیق، دارای رکابه و شامل ۳۵۴ بیت است که با عنوان «حسن گلوسوز من کلام رشیدی صفاهانی» و بیت «کی‌ام کوثرگداز شعله‌نوشی / لب تبخاله را الماس پوشی» آغاز و با بیت «چو مرغ طبع من شو بلبل نظم / بجو تاریخ فکرم از گل نظم» پایان می‌یابد. تاریخ کتابت ندارد و نام کاتب مشخص نیست.

۴) «حسن گلوسوز» متعلق به کتابخانه شخصی اصغر مهدوی [ص] به شماره ثبت ۲۸۴/۶ که با عنوان نادرست «قضا و قدر» ثبت شده است. این نسخه بخشی از یک مجموعه به خط نستعلیق در قرن یازدهم، در کاغذ سپاهانی در ۳ برگ ۱۸ سطری و دارای ۱۵۴ بیت در متن و حاشیه است. نام کاتب و تاریخ کتابت مشخص نیست و چون کاتب عنوان نادرست «قضا و قدر» را برای این مثنوی آورده است، در فهرست نسخ خطی فنخا (رک. درایتی، ۱۳۹۱، ج ۲۵، ۳۴۵) و دنا (رک. درایتی، ۱۳۸۹، ج ۸: ۲۵۱) و پایگاه اینترنتی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، این مثنوی با همین عنوان نادرست، فهرست شده است.

۵) «حسن گلوسوز» متعلق به کتابخانه دایرة المعارف بزرگ اسلامی به شماره ثبت ۱۴۱۹ / ۴ (گک ۶۹-۸۱پ) (۱۳ برگ) با خط نستعلیق خوش و تاریخ کتابت قرن ۱۱ ق. آغاز آن با این بیت است:

کی‌ام کوثرگداز شعله‌نوشی / لب تبخاله را الماس پوشی

و انجام آن با این بیت است:

چو مرغ طبع من شو بلبل نظم / بجو تاریخ فکرم از گل نظم

تاریخ تألیف ۱۰۴۰ق (رک. منزوی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۱۳).

۶) «حسن گلوسوز» متعلق به کتابخانه جمعیت آسیایی بنگال به شماره ثبت Na ۹۹/6 (ش ۹۲۴/۶)، مربوط به قرن ۱۱ خط شکسته نستعلیق هندی که آغاز آن با این بیت است:

کی ام کوثرگداز شعله نوشی لب تبخاله را الماس پوشی (پایگاه اینترنتی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران).

(۷) «حسن گلوسوز» متعلق به کتابخانه فرهنگستان علوم روسیه به شماره ثبت E12 (NOV.1419)، تاریخ کتابت ۱۱۹۱ق به خط نستعلیق درشت خط شامل ۳۴۸ بیت، که آغاز آن با این بیت است:

کی ام کوثرگداز شعله نوشی لب تبخاله را الماس پوشی (همان).

(۸) «حسن گلوسوز» متعلق به کتابخانه ملی، به شماره ثبت ۳۰۶۰۰-۵، با خط نستعلیق چلیپایی و کاغذ اصفهانی نخودی آهارمهره، با تزیینات کمنداندازی به زر محرر و عناوین به سرخی، جلد مقوایی با روکش تیماج عنابی، دارای جدول و حاشیه ریشه ای ضربی. بیت آغاز نسخه:

کی ام کوثرگداز شعله نوشی / لب تبخاله را الماس پوشی

انجام نسخه:

چو مرغ طبع من شو بلبل نظم / بخور نارنج فکرم از گل نظم (همان).

(۹) «حسن گلوسوز» متعلق به کتابخانه آسیاتیک سوسایتی خطی ۱۴۹، به شماره ثبت ۶/ qov۳/ (۱۰)، بدون تاریخ کتابت (رک. متزوی، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۸۵۵).

(۱۰) «حسن گلوسوز» متعلق به کتابخانه ایوانف، به شماره ثبت ۴۲۶/۱ ش ۹۲۴(۶)، در مجموعه اشعار با تاریخ های گوناگون از ۱۰۶۳ تا ۱۱۲۶ ق (همان).

(۱۱) «حسن گلوسوز» متعلق به کتابخانه دانشگاه تهران که در فهرستواره دست نوشته های ایران چین آمده: «بخشی از یک جنگ به شماره ثبت ۴۸-۵۷، ۳۲۹۴/۵ (۹ برگ)، ۱۷س ۱۹×۸ سطر، ۲۶×۱۵/۵ س م، نوع کاغذ سپاهانی با جلد روغنی گلدار و خط نستعلیق چلیپا، تاریخ کتابت ۱۰۴۵ق، در ۳۸۱ بیت. (رک. درایتی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۶۴۹) شایسته ذکر است در این نسخه، افتادگی و به هم ریختگی ترتیب برگ ها مشهود است. عنوان «حسن گلوسوز رشیدا تبریزی» در برگ ۶۲، آمده و سپس مصرع «دوانیده چو جوهر ریشه در آب» آورده شده که ظاهراً مصرع دوم بیت ۲۰۱ این مثنوی است و تا بیت:

گل داغی که در خونگرمی غم / گدازد بر لبش الماس مرهم

ادامه می یابد (۴ بیت پایانی، دیده نشد).

۱۲) «ساقی‌نامه» متعلق به کتابخانه فرهنگستان علوم روسیه به شماره ثبت (E12(NOV.1419)، به خط نستعلیق درشت‌خط، ضمن مجموعه گلشن، شامل ۳۱۹ بیت، تاریخ کتابت ۱۱۹۱ق، کاتب: محمد کاظم بن محمدرضا مهجور (پایگاه اینترنتی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران).

۱۳) «جواهرالاسرار» متعلق به کتابخانه بانک‌پیور خدابخش (مکتبه خدابخش بهادرخان)؛ به شماره ثبت ACC.NO.750/9، قرن ۱۱ق، ۲۶ برگ، ۳۱ سطر، به خط نستعلیق. بیت آغاز آن: نوری که از او جهان تجلی زار است / گل‌گونه رنگ هر گل رخسار است (همان).



تصویر شماره ۱. تصویر صفحه نخست مثنوی «قضا و قدر» نسخه کتابخانه ملی ملک به شماره ثبت

۵۲۶۶/۵



تصویر شماره ۲. «قیمت یا قوت نیلوفری کان بیکو به قرار ده پنج ترک پسند» (مثنوی

جواهرالاسرار، تصویر پشت برگ ۱۲۵ نسخه کتابخانه ملی ملک)

۵. بارزترین ویژگی های املائی و رسم الخط نسخه های در دسترس قرار گرفته شده:

۵-۱. رسم الخط نسخه «کلیات» (م)

کلماتی مثل همایون، اسماعیل و... با الف مقصوره به شکل «همیون»، «اسمعیل» و... کتابت شده است. صفت شمارشی ترتیبی، متصل به موصوف آورده شده است: «نیمشی» (گک ۱ پ، بیت ۱)؛ صفت اشاره ای متصل به موصوف آمده است: «آنسوتر» (گک ۱۱ پ، بیت ۱۴)؛ حرف اضافه «به» متصل به کلمه آمده است: «بباغ» (گک ۲ ر، بیت ۷)؛ «گک» در تمام موارد بدون سرکش به صورت «ک» آمده است: «کرمش» (گک ۱۹۲ پ، بیت ۹)؛ «ی» میانجی در اغلب موارد کتابت نشده است: «میکده آبرو» (گک ۳ ر، بیت ۱)؛ در مواردی واو عطف آورده نشده است: «گل [و] خارش ندیده رنگ خزان» (گک ۷۴ ر، بیت ۱۴)؛ «را» نشانه مفعولی متصل به مفعول آمده است: «عقدشانرا» (گک ۸۲ پ، بیت ۴)؛ «ی» نکره در کلمات مختوم به «ی» به صورت «ئی» نوشته شده است: «میثی» (گک

۱۵ پ، بیت ۱۱)؛ حذف «ه» غیرملفوظ در حالت اضافه شدن علامت جمع «ها» در تمام موارد: «نغمها» (گک ۴۳ پ، بیت ۱)؛ «ب» تأکید از فعل جدا نوشته شده است: «به پیمودم» (گک ۶۶ ر، بیت ۱۳)؛ آوردن همزه به جای «ی» نکره در تمام موارد مانند «بوقلمون زمزمه ساز کرد» (گک ۲ ر، بیت ۶)؛ در مواردی حرف اضافه «به» متصل به صفت مبهم نوشته شده است: «بهرسو» (گک ۳ پ، بیت ۵)؛ به ندرت برخی واژه‌ها به دو صورت املائی کتابت شده‌اند؛ مانند «صومنا» و «صومنا»: «صومنا ظهور تو ز کجاست» (گک ۲۱۴ پ، بیت ۱۲)؛ «صومنا» پر از بت نیرنگ» (گک ۴۹ پ، بیت ۲).

۲-۵. رسم الخط نسخه «حسن گلوسوز» (ج)

اتصال پیشوند «بی» به کلمه مانند «بیمهری» (گک ۳۳۵ پ، بیت ۳)؛ اتصال پیشوند «هم» به کلمه: «همعان» (گک ۳۳۸ ر، بیت ۲)؛ اتصال حرف اضافه «به» به کلمه در تمام موارد: «بخون»؛ (گک ۳۳۴ ر، بیت ۱)؛ آوردن همزه بر روی کرسی الف در کلماتی چون «نشأه»؛ (گک ۳۴۱ پ، بیت ۱)؛ به ندرت غلط املائی: «ز بزم بیخودی مستانه برخواست» (گک ۳۵۱ پ، بیت ۸).

۳-۵. رسم الخط مثنوی «حسن گلوسوز» (ص)

اتصال «را» نشانه مفعولی به مفعول: «جنونرا عندلیب خانه زادی» (گک ۱۶۲ پ، بیت ۴)؛ آوردن همزه بر روی کرسی الف در برخی کلماتی همچون «نشأه» (گک ۱۶۴ ر، بیت ۳۳)؛ اتصال حرف اضافه «به» به کلمه: «بگلشن» (گک ۱۶۳ پ، بیت ۲۹)؛ اتصال پیشوند «بی» بر سر اسم: «بیوفاییها» (گک ۱۶۲ پ، بیت ۱۱).

۴-۵. رسم الخط مثنوی «جواهرالأسرار» (د)

اتصال «را» نشانه مفعولی به واژه: «بشکفان طبع ارجمندانرا» (گک ۱۰ ر، بیت ۶)؛ گاهی نوشتن کلمات مختوم به «ت» به صورت عربی آن: «جهه»؛ (گک ۱۰ پ، بیت ۱۵)؛ اتصال حرف اضافه «به» به کلمه بعد در تمام موارد: «بسخن» (گک ۳ ر، بیت ۱۰)؛ اتصال پیشوند «بی» به کلمه: «بیتاب»؛ (گک ۹ پ، بیت ۱۴)؛ به ندرت واژه‌ای به دو صورت درست و نادرست آورده شده: «خواموش» (گک ۲ ر، بیت ۱)، «خاموشی» (گک ۴ ر، بیت ۸)؛ نیاوردن مد در کلماتی همچون «انچه» (گک ۱۱ ر، بیت ۱۴)؛ کتابت کلماتی مثل «همایون» با الف مقصوره: «همیون» (گک ۱۳ پ، بیت ۱۱).

۶. سطح فکری شعر رشیدای عباسی

به طور کلی ویژگی های فکری و محتوایی شعر رشیدای عباسی که در مثنوی های مختلف تکرار شده است، موارد زیر است:

۱-۶. مدح پیامبر و امام علی (ع)

این موضوع از جهت بسامد اهمیت ویژه ای دارد. رشید تبریزی در دیوان اشعار (در ۲ بیت از بخش رباعیات)، مثنوی های «ساقی نامه» (در ۲۵ بیت)، مثنوی «جواهر الاسرار» (۱۰ بیت) و در مثنوی «نقش ارژنگ» (۲ بیت)، جمعاً در ۳۹ بیت به مدح مولای متقیان (ع) پرداخته است و به جز دیوان، در سه مثنوی از شش مثنوی او این مضامین وجود دارد.

علی ولی نور شمع صفات گل عکس آینه حسن ذات

(ساقی نامه، گک ۱۶۰ ر، بیت ۱۵)

چو از جوهر او نزد عشق دم نشد نسخه آفرینش رقم

چو رایش نیفراخت چتر ظفر نشد زه کمان قضا و قدر

چو نورش نیفروخت شمع ظهور محیط امامت نزد موج نور

چو بر لوح دین نام او نقش بست طلسم صنم خانه درهم شکست

(همان، گک ۱۶۰ پ، بیت ۱-)

(۴)

نکته مهم آن که تعداد ابیاتی که در وصف یا مدح امام علی (ع) دارد، بیش از ابیاتی است که در وصف یا مدح پیامبر اسلام (۲۸ بیت) آورده است و این نشان دهنده اهمیت این مسئله در ترویج تشیع و اندیشه شیعی از سوی شاعران است. همچنین در ابیاتی امام علی (ع) با جهان برین یا فرودین یا کل عالم، نوعی ارتباط هستی شناختی دارد:

خط سر لوح اعظم است علی در ولایت مسلم است علی

پیش از ایجاد جوهر آدم بود روشن سواد لوح و قلم

نقد طاعت از او گرفت رواج اوج قدرش رسید بر معراج

(حسن گلوسوز، گک ۲۳ پ، بیت ۵-۷)

۲-۶. مدح شاهان و بزرگان و ماده تاریخ جلوس یا ورود آنان

در مثنوی‌ها و دیوان اشعار رشید تبریزی، مدح پادشاهان و امیران به وضوح دیده می‌شود؛ به‌ویژه در دیوان ماده تاریخ جلوس شاهان به همراه مدح آنان آمده است. برای نمونه ماده تاریخ جلوس شاه صفی دوم (شاه سلیمان):

پای اقبال چون به تخت نهاد تاج قیصر به خاک یکسان شد

سال تاریخش از خرد جستم بلبل دل هزاردستان شد

(دیوان گک ۲۲۵ ر، بیت ۴-۵)

نمونه دیگر:

ای گهرمایه طبع دریادل مدح صاحبقران عالم کن

گفت دستور فطرت خردم فکر تاریخ خاتم جم کن

طبع روشن ضمیر هوشم گفت: سر انگشت را به «خاتم» کن

(دیوان گک ۲۲۵ پ، بیت ۲، ۵-۶)

در مثنوی‌ها نیز به دو تن از ممدوحان شاعر، تصریح شده است: شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ هـ ق) و شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ هـ ق):

شاه صفی تا علم افراخته ذره و خورشید به هم ساخته

(گلشن تحقیق، گک ۷ ر، بیت ۴ و ۵)

شاه عباس ثانی صفوی شعله دودمان مصطفوی

هر طلسمی که نام شاه در اوست همچو خورشید لوحش آینه‌روست

(جواهر الاسرار، گک ۱۶۸ پ، بیت ۱ و ۲)

شاعر مثنوی «جواهرالاسرار» خود را به نام شاه عباس ثانی سروده است (رک. جواهرالاسرار، گ ۱۶۸ ر، بیت ۱۵-۱۶).

در کل آثار شاعر، ۱۴۴ بیت در مدح پادشاه و رجال عصر است. رشید تبریزی برخی ادیبان زمان خود، چون زمانای مشهور (۴) و میرزا فصیحی هروی (متوفی ۱۰۴۹ق) را مدح کرده است و برای وقایع مختلف زمان خود در قالب مدح بزرگان و شاهان، ماده تاریخ ساخته است. این نمونه‌ها در بررسی های تاریخی بسیار مهم است؛ همچون تاریخ ورود ندر محمدخان (متوفی ۱۰۶۰ق) به اصفهان. این شخص پس از امام قلی خان، پادشاه ترکستان شد و در سال ۱۰۵۶ به اصفهان آمد. شاه عباس ثانی به او کمک کرد تا اوضاع آشفته پادشاهی خود را سر و سامان دهد (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۱۱۲).

به دل چون فکر تاریخ قران مهر و ماه	دم تیغ زبانشم شعله ریز خون دشمن شد
آه همای اوج دولت سوی شاه دین پناه آمد (۱۰۵۶)	سر آشوب را کردم «گل فتراک» شه
	گه

(دیوان، گ ۲۲۸ پ، بیت ۳-۴)

۳-۶. مضامین و اصطلاحات عرفانی

مضامین عرفانی در اکثر آثار رشید تبریزی مشاهده می شود؛ ولی بسامد و نحوه کاربرد آن‌ها متفاوت است. در دیوان، در غزل‌ها و قالب‌های دیگر (به جز قطعه و رباعی) واژگان عرفانی عمدتاً در خدمت مضمون سازی و ساخت هنری شعر است و محتوای شعر جنبه عرفانی ندارد؛ برای نمونه در مدح آورده است:

تویی آن نخل تجلی ثمر گلشن فیض کز تو افروخته دین مشرق علم آرای

(دیوان، گ ۲۲۵ پ، بیت ۷)

ولی در قطعات و رباعی‌ها واژگان و مضامین عرفانی با محتوای عرفانی آمده است. در قطعات گاهی توصیه به تجرید و رهایی از تعلقات مطرح شده است:

تجرید شو که در چمن بی تعلقی دست تهی شکوفه نخل کرم شود

سالک تو گلش به قناعت چو خو کند صدقش خمیرمایه خوان نعم شود

(دیوان گ ۲۳۰ پ، بیت ۵-۶)

و در رباعیات حتی به مضامینی چون وحدت وجود نیز اشاره کرده است:

عالم همه فانی اند، موجود یکی است
از جلوۀ کاینات مقصود یکی است

هستی و فنا و بود و نابود یکی است
در بتکده وجود معبود یکی است

(دیوان گک ۲۴۳ ر، بیت ۳-۴)

به طور کلی اصطلاحات عرفانی در شعر رشید تبریزی پر کاربرد است. از آن جاکه شعر عصر صفوی ادوار مختلف شعر و نثر عرفانی فارسی را پشت سر دارد، واژگان عرفانی به وفور به شعر راه یافته است. برای نمونه در سه مثنوی از آثار رشید تبریزی (مثنوی های کوتاه شاعر) بسامد ابیات حاوی اصطلاحات حکمی و عرفانی بدین صورت است: مثنوی «قضا و قدر»: ۸۳ بیت از ۵۵۲ بیت: ۱۵ درصد؛ مثنوی «گلشن تحقیق»: ۳۶ بیت از ۱۷۵ بیت: ۲۰,۵۷ درصد؛ مثنوی «ساقی نامه»: ۱۰۵ بیت از ۳۲۷ بیت: ۳۲,۱۱ درصد.

نکته مهم آن است که اصطلاحات ویژه مکتب ابن عربی همچون انسان کامل، تعین، اسماء، اعیان و... در شعر رشید تبریزی به کار نرفته است؛ در حالی که اصطلاحات مربوط به احوال سالک و اذکار و آداب و مقامات سلوک پر کاربرد است. برای نمونه در مثنوی «گلشن تحقیق» ۱۴ بار در ۱۳ بیت اصطلاحات مربوط به مراتب احوال و خصلت های سالک آمده است؛ اصطلاحاتی چون یقین، شوق، محبت، غیرت و... همچنین ۱۳ بار در ۱۳ بیت اصطلاحات مربوط به ذکر و عبادات و نیز مراتب تزکیه نفس و مقامات سلوک آمده است؛ اصطلاحاتی چون صدق، اخلاص، مناجات، فنا، ذکر خفی و... این اصطلاحات مربوط به عرفان عملی و ساحت سلوکی عرفان است. این ساحت در متون مورد مطالعه بر جنبه های هستی شناختی عرفان غلبه دارد. بسامد اصطلاحات عرفانی مرتبط با مقامات و منازل سلوک و ذکر و عبادات سالک در مثنوی های «ساقی نامه» و «قضا و قدر» به این صورت است: مثنوی «ساقی نامه»: ۳۹ بار در ۳۵ بیت؛ مثنوی «قضا و قدر»: ۳۶ بار در ۲۹ بیت. این اصطلاحات به ویژه در مثنوی «ساقی نامه» تنوع چشمگیری دارد و اصطلاحاتی چون: «مناجاتی»، «تجربید»، «سلوک»، «سجاده نشین»، «سبحه»، «توکل»، «فقر»، «سالک» و... در این متن به کار رفته است.

نکته مهم آن که با وجود پراکندگی اصطلاحات و مضامین عرفانی در متن، هیچ کدام از مثنوی ها و آثار شاعر در بیان موضوعات عرفانی و صوفیانه پیوستگی عمودی و انسجام محتوایی

ندارد؛ بلکه در همهٔ مثنوی ها مضامین عرفانی با مضامین دیگر درآمیخته است. اساساً به دلیل آن که شعر سبک هندی جزئی نگر است (برخلاف ادوار پیشین؛ به ویژه شعر پیش از قرن هفتم و ماقبل آن که کلی نگر است)، اجزاء مختلف تفکر عرفانی و حکمی و اندیشه و حکمت عامیانهٔ اهل کوی و بازار و مجموعه های دیگر فکری را با هم در آمیخته است. بنابراین ابیات به صورت سیستماتیک و منسجم با یکدیگر ارتباط نمی یابند (رک. دزفولیان راد، مددی، طالبی، ۱۳۸۹: ۶۵).

۴-۶. شکایت از روزگار و ناهلان و سفلگان

در کلیات شاعر، مجموعاً در ۶۴ بیت به شکایت از روزگار و ناهلان پرداخته است. شاعر در ۱۲ بیت به شکایت از بد شدن حال زمانه و آزار و بی وفایی ناهلان پرداخته است:

آسمان ز آن نمی کند یادم که دُر بی قرینه افتادم

(قضا و قدر، گک ۱۱۱ پ، بیت ۱۴)

به هر که می نگرم نقش بند نیرنگ است دورنگی نگه دوست، دشمنان را یوف

بخار دود نفاق است شعلهٔ دمشان فسون نغمهٔ جان سوز دوستان را یوف

زنند جمله چو زنبور نیش ونوش خورند نمک شناسی طرز مصاحبان را یوف

(دیوان، گک ۲۳۱ پ، بیت ۶-۸)

سنت نکوهش ایام و اهل آن، از ادوار گذشته وجود داشته است و در شعر سبک هندی با یأس و بدبینی و نومیدی خاصی مرتبط است که در سطح فکری سبک شاعران این دوره وجود دارد (رک. خسروی، ۱۳۹۷: ۷۶). به جز این در ۲۳ بیت از شاعران سقله و مقلد و دون پایه شکایت کرده و آنان را نکوهش کرده است.

بی سوادان هرزه نال سخن شده گلبانگشان وبال سخن

در سخن خار بی بر چمنند به زبان بلبل چمن سخنند

مظهر علم بی عمل شده اند کور آینه در بغل شده اند

(قضا و قدر، گک ۱۱۲ ر، بیت ۴-۶)

جادو و شان که معجزه ام را مقلند افسون حیلۀ دمشان نفی گفت و گوست

ور مهر و کینه غنچه بغض دورنگی اند
مجموعه بهار و خزان‌شان گل دوروست

نیرنگ سیمیان‌شان نقش باطل است
رنگین اگر بود گل کاغذ تهی ز پوست

گلگونه تصویرشان گرده من است
آبی که چشمه لب جو شد هم آب جوست

کی صعوه با همای سعادت شود قرین؟
عصفور کی به نغمه جو بلبل بدیهه گوست؟

(دیوان، گک ۲۲۶ پ، بیت ۲-۶)

این ابیات نشان‌دهنده جایگاه درباری شاعر است. شاعری که به دربار رفت و آمد دارد، پیوسته در رقابت با شاعران دیگری است که آنان نیز به امید دریافت عنایت و جوایز شاه و امرا به طبع آزمایی و سخنوری می‌پردازند.

۵-۶. شکایت از بی رونقی هنر

در دیوان و مثنوی‌های «ساقی‌نامه» و «قضا و قدر» جمعاً در ۲۶ بیت از بی‌رونی هنر و شعر و بی‌توجهی به آن شکوه کرده است (۱۱ بیت از دیوان، ۴ بیت از ساقی‌نامه، ۱۱ بیت از مثنوی «قضا و قدر») از آن‌جا که در عصر صفوی دربار اصفهان به شاعران توجه چندانی نداشته است، بسیاری از شاعران به دربار هند رفتند (رک. جابری‌نسب، ۱۳۸۸: ۳۸) و چنان‌که پیش‌تر گفتیم رشید تبریزی نیز در جوانی سفری به هند داشته است. با وجود این، شاعر که در دربار اصفهان مانده است، از بی‌رونی شعر در زمان خود شکایت دارد.

صرفه نشناختم، کسی چه کند؟
خود غلط باختم، کسی چه کند؟

بس که دل بر بت هنر بستم
گوهر معرفت شد از دستم

کیمیای هنر و ببالم شد
آفت خیرمن کمالم شد

(قضا و قدر، گک ۱۱۱ ر، بیت ۳-۵)

ای دل، چو رشید از چه هنر ورزیدی؟
بی درد چرا بساط محنت چیدی؟

چون دانستی که جز هنر عیبی نیست
آلوده صد عیب چرا گردیدی؟

(دیوان، گک ۲۴۷ ر، بیت ۵-۶)

گر این بود گل باغ هنر که من چیدم بهار حاصل فیض هنروان را یوف

(همان، گک ۲۳۱ پ، بیت ۱۳)

در دیوان شاعر نیز قطعاتی آمده است که در آن شاعر برای خرید خانه یا ملزومات زندگی از ممدوح استدعا و التماس می کند:

بندگانم به لطف فرمودند تحفه ای هستت از بزرگان

بهرت از شهریار بستانم خلعت و خانه ملوکانه

تحفه ام شد قبول شاه و نشد ناقبولیم قابل خانه

روز و شب ز آتش تپیدن دل همچو سیماب ناشکیانه

غوطه در موج اضطراب زخم که رسیده به عرض شه یا نه

ور رسیده ظهور فیضش کو؟ ای به نیروی عقل فرزانه

(همان، گک ۲۲۹ ر، بیت ۱-۶)

این موارد نشان می دهد که به شاعران دربار شاهان صفوی توجه چندانی نمی شده است.

۶-۶. یأس و ناامیدی و اندوه شاعر

چنان که گفتیم در شعر سبک هندی فضای شعر غم زده و ناامید است. در مثنوی ها و دیوان رشید تبریزی ابیاتی به حسب حال شاعر پرداخته است و اوضاع زندگی و حالات روحی او را نمایان ساخته است. وجه مشترک این ابیات درد و غم شاعر و حسرت و ناامیدی اوست. در کلیات رشید تبریزی جمعاً ۱۰۶ بیت حسب حال آمده است. تقریباً یک سوم این ابیات (۳۲ بیت) درباره آتش درون و سوز سینه و درد دل شاعر است. در ۲۵ بیت نیز اشک و گریه و غم و اندوه خود از عشق یا هجران معشوق یا جفای روزگار سخن می گوید یا به غم و سوز سخنش اشاره می کند.

کی ام کوثرگداز شعله نوشی لب تبخاله را التماس پوشی

رهایی دشمنی دام آشنیانی پریشان نغمه خونین زبانی

ز الماس نگه ریش آزمایی	به زخم تیغ مژگان دل گشایی
جنون را عندلیب خانه زادی	سمندرزاده آتش نهادی
به غم پرورده محنت سرشستی	سرپا شعله گلخن بهشتی
کیستم شعله نوش آشوبی	خوبه وحشت گرفته مجذوبی
پا به دامن کشیده مجنونی	رخنه چاک سینه هامونی
زخمی تیغ غمزه نخجیری	موج تحریر ناله زنجیری
دل گران غبار بیادادی	کوه بر دل گرفته فرهادی

(گلشن تحقیق، گک ۱۰۹، پ، بیت ۳-۶)

۶-۷. تقدیرگرایی

با وجود رواج مذهب تشیع و سقوط کلام اشعری، دلیل تقدیرگرایی و اندیشه قضا و قدری در شعر رشید تبریزی دیده می‌شود. دلیل آن هم تأثیر حکمت عوام کوی و بازار در شعر عصر صفوی است. از آن جا که اندیشه مردم کوی و بازار بر خردگرایی و دانش عمیق متکی نیست، حوادث کوچک و بزرگ را به تقدیر و سرنوشت محتوم نسبت می‌دهد. این ویژگی سبب پدید آمدن ژانری با نام مثنوی‌های «قضا و قدر» در ادبیات عصر صفوی شده است. کاردگر و بابایی در مقاله «بازتاب فرهنگ و ادبیات عامه در منظومه‌های قضا و قدر فارسی» بیش از ۲۰ منظومه قضا و قدر را در دوره صفوی و قاجار شناسایی کرده‌اند که محتوای همه آن‌ها داستان‌هایی عامیانه با محوریت عامل قضا و قدر و تقدیر است (رک. کاردگر، بابایی، ۱۳۹۸: ۲۸). یکی از کسانی که در این ژانر سخن سرایی کرده است نیز رشید تبریزی است. به جز منظومه «قضا و قدر» در منظومه‌های «گلشن تحقیق»، «حسن گلوسوز»، «نقش ارژنگ»، «جواهرالاسرار» و نیز دیوان شاعر، اصطلاح «قضا» و «قدر» و مضامین تقدیرگرایی آمده است:

فلک تا نقشبند کینه‌سازی است قضا افسونگر نیرنگ‌بازی است

(حسن گلوسوز، گک ۱۸، بیت ۱۰)

روشنم شد که نقش بند قضا با دلم باخته است نرد دغا

(نقش ارژنگ، گک ۵۶، بیت ۱۳)

شعله ای کز قضا شود روشن هر شرارش بود شفق گلشن

(جواهرالاسرار، گک ۱۳۸، بیت ۸)

مو را شرری به هم تواند پیچد سرینجه به پنجه قضا نتوان کرد

(دیوان، گک ۲۵۰، بیت ۲)

به طور کلی واژه «قضا» ۴۳ بار در کلیات رشید تبریزی آمده است.

۸-۶. استفاده از جواهرات در تصویرسازی بخش های مختلف

چنان که پیش تر گفتیم، رشید تبریزی به جواهرسازی و میناکاری اشتغال داشته است. از آنجاکه شعر در عصر صفوی به میان محترفه و اهل بازار کشیده شده است، رشید تبریزی نیز متناسب با حرفه خود، نام انواع سنگ های قیمتی را در مثنوی ها و آثار مختلف خود ذکر کرده است. به جز مثنوی «جواهرالاسرار» که نخستین جواهرنامه منظوم ادب فارسی است، در آثار دیگر رشید تبریزی نیز این ویژگی شعر او مشهود است:

دم از یاقوت ناب شعله شسته چو تندی از دل الماس رسته

(حسن گلوسوز، گک ۱۷، بیت ۳)

آب آتش طینت یاقوت فام با زمرّد رنگ مینایم فرست

(دیوان، گک ۲۲۷، بیت ۳)

نه تیغ است آن برق الماس رنگ که دارد به کف شاه فیروز چنگ

(ساقی نامه، گک ۱۶۱، بیت ۱)

به طور کلی در منظومه های رشید تبریزی به جز ابیات مثنوی «جواهرالاسرار»، در ۲۴ بیت از لعل، در ۸ بیت از یاقوت، در ۷ بیت از الماس، در ۱ بیت از زمرّد و در ۲۳ بیت از «گوهر سفتن» یا «درّ سفتن» برای تصویرسازی های ادبی استفاده شده است. به جز این واژه «مینا» در ۶ بیت از چهار مثنوی «حسن گلوسوز»، «ساقی نامه»، «قضا و قدر» و «جواهرالاسرار» آمده است:

به هر گوشه اش محشر خاصّ و چو بازار مینای بیت الحرام

_____ام

(همان، گک ۱۲۰ پ، بیت ۱)

۷. سطح زبانی شعر رشیدای عباسی

۷-۱. در حوزه واژه‌ها

۷-۱-۱. کاربرد واژه‌های عربی

در شعر رشید تبریزی واژگان عربی در بیشتر ابیات دیده می‌شود؛ ولی واژگان عربی متن از واژگان متداول و رایج زبان خودکار است و شاعر به ندرت از ترکیب‌های عربی چون «خاص‌الخاص» و «نشونما» استفاده کرده است. برای نمونه در مثنوی «ساقی‌نامه» (به جز اصطلاحات عرفانی) در ۲۲۹ بیت واژگان عربی به کار رفته است که ۷۰ درصد ابیات متن را شامل می‌شود. در مثنوی «قضا و قدر» این رقم، ۳۸۳ بیت است که ۶۹٫۳ درصد ابیات را شامل می‌شود. همچنین در مثنوی «گلشن تحقیق» در ۱۲۶ بیت واژگان عربی به کار رفته که ۷۱٫۵ درصد از کل ابیات این مثنوی است.

۷-۱-۲. کاربرد واژگان هندی یا نام اماکن هندوستان قدیم

در دوره رواج سبک هندی ارتباط شاعران با دربار هند، سبب آشنایی شاعران با اندیشه و زبان هندوان و ورود واژگان هندی و نام اماکن هندوستان قدیم به شعر این دوره شد (رک. شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۷۴). در آثار رشید تبریزی نیز برخی واژگان هندی و نام برخی اماکن هندوستان دیده می‌شود. واژگان هندی برشگال،^۱ جوکی،^۲ شال گلبندی،^۳ برهنه،^۴ و نیز بسامد نسبتاً زیاد گل «نیلوفر»^۵ در تصویرهای شعری (۱۶ بار در کلیات شاعر)، از عناصر هندی متن است. همچنین اسامی مکان‌های شبه‌قاره هند چون کشمیر، سومنات، آگره و دهلوی در کلیات شاعر آمده است.

هشت گنجی که فطرت خسرو به نظامی نمود از دهلوی

(جواهرالاسرار، گک ۱۶۸ ر، بیت ۱۰)

خارخار هوای کشمیرش کرد از سیر آگره دلگیرش

(نقش ارژنگ، گک ۳۶ پ، بیت ۸)

گفت: این شیوه طرز پیر من است کاندین سومنات برهنه است

(نقش ارژنگ، گک ۴۷ پ، بیت ۵)

۷-۱-۳. کاربرد واژگان جدید عصر صفوی

از ویژگی‌های خاص شعر عصر صفوی ورود برخی واژگان جدید به دایره واژگانی شعراست. این واژگان به دلایلی چون پیدا شدن ابزارآلات جدید، ارتباط با ملل دیگر و نیز ورود مفاهیم جدید به

زبان شاعران این دوره راه یافته است (رک. غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۲۳۴). از نمونه های این واژگان در کلیات شعر رشید تبریزی موارد زیر است: عینک (۱۲ بار)، گلجام^۷ (۵ بار)، سُنیک^۸ (۹ بار)، رفو (۴ بار)، جیقه^۹ (۲ بار)، نزاکت (۲ بار)، فرننگ (۴۸ بار)، شیرازه (۲ بار)، مرغوله^{۱۰} (۲ بار)، فانوس (۱۸ بار)، مطبخانه (۱ بار)، تبخاله (۱۰ بار)، واسوختن^{۱۱} (۱ بار).

۷-۱-۴. ساخت ترکیبات بدیع

ساخت ترکیبات جدید را از ویژگی های شعر سبک هندی دانسته اند (رک. غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۴۰۱)؛ ولی بسامد این ترکیب ها در کلیات رشید تبریزی بسیار بالاست؛ به گونه ای که ترکیب سازی از مهم ترین ویژگی های شعر رشید تبریزی است. برای نمونه در مثنوی «قضا و قدر» در ۲۷۰ بیت (۴۸٫۸ درصد ابیات)، و در مثنوی «گلشن تحقیق» در ۱۲۵ بیت (۷۱ درصد ابیات) ترکیب سازی مشاهده می شود. از ویژگی های سبکی شاعر آن است که در آثار خود با واژه های خاصی ترکیبات متعددی می سازد که اغلب صفت های مرکب فاعلی یا مفعولی و در مواردی نیز ساخت های مصدری هستند:

افروز یا فروز: شعله فروز، چهره فروز، انجمن افروز، بهار افروز، بهشت افروز، مشرق افروز، ساحل افروز، تجلی فروز و...

آلود: خمار آلود، شعله آلود، خنده آلود، صندل آلود، طلا آلود، غبار آلود و...

طراز: شعله طراز، نغمه طراز، گلشن طراز، چمن طراز، آیین طراز، ترانه طراز، صفحه طراز، گلگونه طراز و...

آرا / آرای: مشرق آرا، عالم آرا، جلوه آرا، چمن آرا، قطره آرا، بهار آرا، عینک آرای، بت آرای، یوسف آرا، زرق آرا و...

آهنگ: بلبل آهنگ، وحشت آهنگ، غم آهنگ، خموشی آهنگ، غریب آهنگ، سیر آهنگ، عاشق آهنگ، شعله آهنگ و...

۷-۲. ویژگی های دستوری و نحوی

۷-۲-۱. کاربرد «یای استمراری» در آخر فعل

کاربرد «یا» در آخر فعل ساختی کهن از فعل ماضی استمراری است:

ز دل سردی گرفتنی از هوا تاب / فشانندی نور جان بر شمع مهتاب

(حسن گلو سوز، گک ۲۰ ر، بیت ۱۴)

وگر نه کجا جسم گویا شدی؟ محیط عناصر گهرزا شدی؟

(ساقی نامه، گک ۱۱۴، بیت ۹)

۷-۲-۲. منادا با صفت مرکب و منادای موصول

منادا با صفت مرکب:

ای گهر مایه طبعم دریادل مدح صاحبقران عالم کن
(دیوان، گک ۲۲۵، بیت ۲)

منادا با جمله وصفی:

تا به کی چهره گشای گل حیرت باشم ای دلت صیقل آینه غم فرسای
(دیوان، گک ۲۲۶، بیت ۶)

منادای موصول:

ای آنکه عیب صاف دلان کرده تیرهات از خود پوش دیده که آینه روبه روست
(دیوان، گک ۲۲۶، بیت ۱)

۷-۲-۳. کاربرد ضمیر متصل مفعولی

گر زدم نغمه کم حوصلگی، معذورم ساقی، لطف توام داده می، خود رای،
(دیوان، گک ۲۲۶، بیت ۱۲)

چون گرفت از دم علی ارشاد ایـزـدش بال اوج معنی داد

(نقش ارژنگ، گک ۲۳، بیت ۱۳)

داد قرب تو اش جلالی وطن شد جگر گوشه سهیل یمن

(جواهر الاسرار، گک ۱۶۲، بیت ۲)

۷-۲-۴. کاربرد قید نفی برای تأکید

نه جلوه‌ای و نه جنبشی، نه دهنی هریک به زبان حال گوید سخنی
(دیوان، گک ۲۴۵، بیت ۶)

نه سیاره‌ای خوشه تاک بود نه خم‌خانه‌ای دور افلاک بود

(ساقی نامه، گک ۱۱۳، بیت ۴)

چو لقمان نه در فکر سرسایه‌ای نه در کوشش رتبه‌ای، پایه‌ای

(همان، گک ۱۲۰، بیت ۸)

۸. سطح ادبی شعر رشیدای عباسی

۸-۱. حوزه هنجارگریزی معنایی (صور خیال)

برای نمونه گیری از ویژگی های بلاغی در این بخش، دو مثنوی «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر» را که جمعاً ۷۲۹ بیت است (در حدود ۱۰ درصد کل ابیات)، به عنوان نمونه مشخص می کنیم و بسامد هریک از این ویژگی ها را در آن نشان می دهیم.

۸-۱-۱. تشبیه

تشبیه پربسامدترین عنصر بیانی و بلاغی در شعر رشید تبریزی است؛ برای نمونه در دو منظومه «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر» از مجموع ۷۲۹ بیت، در ۵۰۶ بیت انواع تشبیه آمده است (۶۹,۴ درصد ابیات). بیشتر این تشبیهات از نوع تشبیه بلیغ اضافی است. تشبیه بلیغ، تشبیهی است که در آن وجه شبه و ادات تشبیه ذکر نمی شود (رک. شمیسا، ۱۳۹۰ الف: ۷۲). در دو مثنوی «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر»، مجموعاً در ۳۳۹ بیت (۴۶,۵ درصد کل ابیات) این تشبیهات آمده است که نمونه ای از هنر رشید تبریزی در ساخت ترکیب های اضافی بدیع است؛ ترکیباتی چون لاله خورشید، روزنامه عالم، صحیفه نور، قفل اندیشه، مشرق ابرو، چشمه خنجر، طفل سرشک مظلومان، شهر نظاره، شهر زلف، کمان قضا، چمن عشق، بهار قضا، غنچه تقدیر، نخل قدم و گاهی این ترکیب ها به صورت مقلوب است: شعله خوی، غنچه طبع، آتش دل، پروین ثمر، فلاطون ضمیر و ...

پس از ساخت اضافی ذکر شده، پربسامدترین نوع تشبیهات رشید تبریزی، تشبیه بلیغ اسنادی است؛ برای نمونه در مثنوی های «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر» جمعاً در ۱۵۹ بیت (۲۱,۸ درصد کل ابیات) این نوع تشبیهات به کار رفته است. در این ساخت گونه ای مبالغه در اطلاق مشبه به به مشبه وجود دارد (رک. شمیسا، ۱۳۹۰ الف: ۷۲). نمونه این تشبیهات:

بود دلم طفل دبستان عشق مرغ نوآهنگ گلستان عشق

(گلشن تحقیق، گک ۲، بیت ۹)

از نفس صدق حمیت فروز غیر تششان شعله کفارسوز

(همان، گک ۲، بیت ۹)

با وجود اهمیت اسلوب معادله و تشبیه تمثیل و مرکب در سبک هندی، این انواع در منظومه‌ها کم کاربرد است؛ چنان‌که در دو مثنوی «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر» فقط در ۱۶ بیت این تشبیهات آمده است. برای نمونه این ابیات:

رنگ خونگرمی‌اش به ریشه فسرد خشک گردید و باغبانش برد
حسن را زیوری است آینه دار نخل بی باغبان کج آید بار
(قضا و قدر، گ ۹۹ ر، بیت ۵-۶)

بسامد پایین این نوع تشبیهات در مثنوی‌های رشید تبریزی به علت تأثیر شیوه مثنوی‌سرایی نظامی بر اوست؛ ولی در بعضی قطعات دیوان شاعر که مطابق سبک هندی سرود است، نمونه‌های آشکاری از اسلوب معادله وجود دارد:^{۱۲}

خون گرمی حسود نمک بر جراحت است چاک درون غنچه‌دلان زخمی رفوست
(دیوان گ ۲۲۸ ر، بیت ۱۱)
آینه‌ای که تیره ز گرد کدورت است روشن دل از توجه شاه کرم شود
درهم ز نقش سگه شود لوح گنج‌ها خاتم ز قرب نام شهان محترم شود
(دیوان، گ ۲۳۰ پ، بیت ۹-۱۰)

۲-۱-۸. استعاره مصرحه

شاعر، واژه‌ای را به علاقه مشابهت به جای واژه دیگری به کار می‌برد (رک. شمیسا، ۱۳۹۰ الف: ۱۵۷). در استعاره (استعاره مصرحه) مشبه حذف می‌شود و مشبه به باقی می‌ماند. از آن‌جا که استعاره، نام‌گذاری هنری جهان است، سکون و ایستایی دارد. در شعر رشید تبریزی استعاره مصرحه به نسبت تشبیه کمتر به کار رفته است؛ برای نمونه در دو مثنوی «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر» مجموعاً در ۲۱۶ بیت (۲۹٫۶ درصد ابیات) استعاره به کار رفته است:

نمونه استعاره‌های مصرحه در مثنوی‌های فوق:
گلخنی‌اش شعله صفت تیغ زن خاک نشینش سر قیصر شکن
(گلشن تحقیق، گ ۲ پ، بیت ۱۰)
گفت: گرگی است شیر این بیشه که ز گرگان ندارد اندیشه

شیوه آن است کز ره تدبیر صید و صیاد را کنم نخجیر

(قضا و قدر، گک ۹۵ پ، بیت ۵-۶)

۳-۱-۸. تشخیص و استعاره مکنیه

در استعاره مکنیه و تشخیص مشبه همراه یکی از ملائمت مشبه به ذکر می شود (رک. شمیسا، ۱۳۹۰ الف: ۱۷۸). استعاره مکنیه به سه دسته تشخیص، استعاره مکنیه جاندار (غیر انسان) و استعاره مکنیه غیر جاندار تقسیم می شود. البته پژوهشگرانی این صورتها را جزء استعاره متداول نیاورده اند (رک. شفیع کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۵۳-۲۵۴)؛ سیروس شمیسا معتقد است این استعاره ها مشکل ساخت دارند؛ زیرا در استعاره مشبه ذکر نمی شود (رک. شمیسا، ۱۳۹۰ الف: ۱۹۱-۱۹۲). می توان این نوع تصویرها را «اسناد مجازی» دانست. کاربرد این تصویرها در شعر رشید تبریزی چشمگیر است و در دو مثنوی «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر» در ۱۰۶ بیت (۱۴،۵ درصد ابیات) به کار رفته است. اغلب این موارد از شمار تشخیص یا انسان‌نگاری (personification) است.

نمونه‌های تشخیص:

کز ستم‌انگیزی چرخ دورنگ پای امید دلش آمد به سنگ

(گلشن تحقیق، گک ۳ پ، بیت ۶)

با دو دستش چو زور حمله نمود در دروازه چاک سینه گشود

(قضا و قدر، گک ۹۵ پ، بیت ۴)

نمونه‌های استعاره مکنیه:

غنچه فتح از نفسش خنده روست صبح ظفر مشرق اقبال اوست

(گلشن تحقیق، گک ۷ ر، بیت ۷)

رازهای طلوع جبهه او شد هویدا ز مشرق ابرو

(قضا و قدر، گک ۹۶ ر، بیت ۱۱)

۴-۱-۸. استعاره در فعل

استعاره در فعل و صفت‌های کنشی، یعنی صفت‌های فاعلی و مفعولی مرکب را «استعاره تبعیه» نامیده‌اند؛ با این استدلال که استعاره در اسم است و اگر در فعل و صفت بیاید، باید به مصدر تأویل

شود؛ از این رو از اسم «تبعیت» می‌کند (رک. شمیسا، ۱۳۹۰ الف: ۱۹۷). برای نمونه در مثنوی «قضا و قدر» آمده است:

تیغش چو نسیم غارت گلچین شد آن غنچه نودمیده رازخمی ساخت
(قضا و قدر، گک ۹۷، بیت ۸)

در اینجا فعل «زخمی ساخت» کارکردی استعاری دارد و در معنای حقیقی خود دریافته نمی‌شود. به نظر جورج لیکاف استعاره در فعل محصول این استعاره کلان‌تر است: «رویداد کنش است» (رک. لیکاف، ۱۳۹۰: ۱۹۰). به جز لیکاف، شفیع کدکنی نیز به اهمیت اسنادهای مجازی و استعاره‌های فعلی در پویایی تصویرها اشاره کرده است (رک. شفیع کدکنی، ۱۳۷۰: ص ۲۵۴-۲۵۵). در شعر رشید تبریزی کاربرد استعاره در فعل بسامد بالایی دارد که این مسئله نشان‌دهنده پویایی تصاویر شعر اوست. برای نمونه در دو مثنوی «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر» در ۲۶۴ بیت (۳۶،۲ درصد ابیات) این تصاویر آمده است.

نمونه‌ها:

وز می بی مهربی عصمت‌گداز نغمه سرودند به آهنگ راز

(مثنوی گلشن تحقیق، گک ۴، بیت ۳)

گشت به آن جمع پریشان‌خیال شعله‌فشان از نفس انفعال

(همان، گک ۴، بیت ۱)

چون یقین شد دمش گهرتاب است نفسش موج‌ریز سیماب است

(قضا و قدر، گک ۹۸، بیت ۱۱)

۵-۱-۸. حس آمیزی

حس آمیزی کاربرد واژگان مربوط به حواس مختلف در کنار یکدیگر است (رک. شمیسا، ۱۳۹۰ ب: ۱۱۲). این تصویرها هم به نوعی از اقسام تضاد است و هم در معنا متناقض‌نماست. در شعر رشید تبریزی حس آمیزی بسامد بالایی ندارد؛ برای نمونه در دو مثنوی «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر» جمعاً در ۳۰ بیت (۴،۱ درصد ابیات) این تصاویر آمده است؛ ولی چون کاربرد این تصویرها از عناصر ذاتی شعر (همچون تشبیه و استعاره) نیست، در آثار رشید تبریزی بسیار مهم است:

دُرچ گهرهای کهن باز کرد بوقلمون زمزمه‌ای ساز کرد

(گلشن تحقیق، گک ۲، بیت ۶)

چون به آن غنچه شکفته رسید الف ناله‌ای به سینه کشید

(قضا و قدر، گک ۹۷ پ، بیت ۱۲)

۶-۱-۸. متناقض‌نمایی (paradox)

متناقض‌نمایی ساخت معنا و تصاویر غریب و به‌ظاهر متناقض با اهداف هنری یا عرفانی است (رک. شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۱۱). تصویرهای متناقض‌نما در شعر رشید تبریزی چشمگیر است؛ برای نمونه در دو مثنوی «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر» در ۶۹ بیت (۹,۴ درصد ابیات) این تصویرها وجود دارند. به این دلیل که این تصویرسازی‌ها از عناصر ذاتی شعر نیست، هنجارگریزی یا آشنایی‌زدایی (defamiliarization) چشمگیری پدید می‌آورد. هنجارگریزی یعنی انحراف از قواعد حاکم بر زبان هنجار (نرم) و این عامل در نگرش‌های فرمالیستی مبنای شناسایی و تمایز سبک است (رک. صفوی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۰؛ فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۱: ۳۹). متناقض‌نمایی در شعر رشید تبریزی ترکیب‌های پارادوکسی و متناقض‌نمایی اسنادی را شامل می‌شود. در مثنوی‌های ذکرشده، نوع اول در ۳۳ بیت (۴,۵ درصد ابیات) و نوع دوم در ۳۷ بیت (۵ درصد ابیات) آمده است.

نمونه ترکیب‌های متناقض‌نما: مُلک تنهایی، تنگ‌ظرف وسعت، اوج پستی، قطره موج‌ریز
جیحون، شهر بند هامون، دام آزادگی، سواد نور نظر، چشمه آتش، زخمی شمشیر محبت، میکده
آبرو، آتش بهار و...؛

نمونه متناقض‌نمایی اسنادی:

طفل دبستانش فلاطون ضمیر از نفس صدق مسیحا صفر

(گلشن تحقیق، گک ۲ پ، بیت ۲)

تشنه کامان صدق سیرابند چون گهر تشنگان شادابند

(قضا و قدر، گک ۱۰۰ ر، بیت ۱۰)

۷-۱-۸. مبالغه و اغراق

مبالغه و اغراق توصیف یا تصویری است که در آن بزرگ‌نمایی شده باشد. معمولاً در آثار هنری این بزرگ‌نمایی از راه تشبیه و استعاره است (رک. شمیسا، ۱۳۹۰: ۹۵). کاربرد اغراق در متون حماسی از ویژگی‌های اصلی به حساب می‌آید (رک. شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۹۸). همچنین در متون عرفانی به علت ژرف‌ساخت حماسی این آثار فراوان به کار می‌رود (رک. شمیسا، ۱۳۸۹: ۷۷).

کاربرد اغراق در شعر رشید تبریزی (به نسبت جایگاه آن)، چشمگیر است. در دو مثنوی «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر» (با احتساب ابیات موقوف المعانی) ۴۵ بیت (۱،۶ درصد کل ابیات) حاوی اغراق‌های هنری است. نمونه ابیات:

گرده خورشید غبار شبش	صبح ابد آینه دار شبش
چون ننگه کرد سوی بستر خواب	صدفی دید گوهرش نایاب
بحر خون شد به موج جوش آمد	چون دل کوه در خروش آمد
	(قضا و قدر، گک ۹۷ پ، بیت ۸-۹)

۸-۱-۸. کنایه

کنایه «ذکر جمله یا ترکیبی است که به جای معنی ظاهری، مراد یکی از لوازم معنی آن است» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۲۸۰). بسامد بالای کنایه از ویژگی‌های سبکی شعر عصر صفوی است (رک. غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۴۲۵). مهم‌ترین دلیل آن تأثیرپذیرفتن شعر این دوره از زبان عامیانه و ادبیات کوچه و بازار است. در دو مثنوی «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر» جمعاً در ۱۷۶ بیت (۱،۲۴ درصد کل ابیات)، کنایه به کار رفته است که حدود یک چهارم ابیات را شامل می‌شود. از نظر ساخت کنایه‌های منظومه‌های رشید تبریزی، انواع ترکیب‌های کنایی و کنایه‌های گزاره‌ای و اسنادی را شامل می‌شود.

الف) ترکیب‌های کنایی: خاک‌نشین، پرده‌نشین، عنان‌ریز، جانسوز، یکه‌تاز، کیسه‌پرداز، دامن‌گیر، خونگرم، پرده‌سوز، پرده‌در، خوش‌نشین، باددست، دشمن‌کام، سخت‌بازو، سست‌بازو، گوشه‌گیر و...؛

ب) کنایه‌های گزاره‌ای و اسنادی: این کنایه‌ها با نوعی کنش و کاربرد فعل همراه است؛ از این رو در پویایی تصاویر شعر نقش مهمی دارد:

شرح تجرید معرفت خواننده به جهان گرد دامن افشانده

(قضا و قدر، گک ۹۴ پ، بیت ۷)

شعله جان‌سوز ستم را نشاند از دم تیغ آب بر آتش فشاند

(گلشن تحقیق، گک ۷ ر، بیت ۱۰)

در این دو بیت «گرد دامن افشاندن» به معنای ترک کردن و رها کردن و «آب بر آتش افشاندن» به معنای آرام کردن و فرونشاندن فتنه و آشوب است.

۸-۲. حوزه موسیقایی

۸-۲-۱. کاربرد ردیف

ردیف «یک یا چند کلمه است که بعد از روی (آخرین حرف قافیه) تکرار می شود و سبب زیبایی شعر است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۳۰). ردیف را از ابداعات فارسی زبانان شمرده اند (رک). همان: ۱۲۸). از دلایل مهم آن هم وجود افعال اسنادی در زبان فارسی است (رک. همان: ۱۳۷). وجود ردیف در شعر علاوه بر بالا بردن ارزش موسیقایی شعر، سبب تأکید و برانگیختن عاطفی بیشتر نیز می شود (رک. همان: ۱۵۹). بسامد کاربرد ردیف در کلیات رشید تبریزی بدین صورت است: دیوان: ۴۰۲ بیت (۶۳,۸۰ درصد کل ابیات)، مثنوی «جواهر الاسرار»: ۷۶۹ بیت (۲۷,۹۵ درصد کل ابیات)، مثنوی «قضا و قدر»: ۱۲۶ بیت (۲۲,۸۲ درصد کل ابیات)، گلشن تحقیق: ۴۸ بیت (۲۷,۴۲ درصد کل ابیات)، مثنوی «نقش ارژنگ»: ۵۱۶ بیت (۲۳,۷۸ درصد کل ابیات)، مثنوی «حسن گلسوز»: ۸۰ بیت (۲۲,۲ درصد کل ابیات)، مثنوی «ساقی نامه»: ۱۱۹ بیت (۳۶,۳۹ درصد ابیات).

به طور کلی از مجموع ۶۹۶۵ بیت کلیات رشید تبریزی، ۲۰۶۰ بیت مردف است که ۲۹,۵۷ درصد کل ابیات را تشکیل می دهد. بر این اساس شعر رشید تبریزی از نظر موسیقی کناری غنی است.

۸-۲-۲. جناس

کاربرد جناس در شعر رشید تبریزی چشمگیر است؛ ولی به اندازه حافظ و نظامی از آن استفاده نکرده است. در دو مثنوی «گلشن تحقیق» و «قضا و قدر» جمعاً ۸۸ بیت جناس دارد که ۱۲ درصد کل ابیات را تشکیل می دهد. این جناس ها انواع جناس ریشه، زائد، خطّ (مصحّف)، جناس محرف، جناس تام، جناس مضارع، جناس لاحق و جناس مطرف را شامل می شود: نمونه جناس ریشه:

از دم گرم نـوش دارویی به دمـش زد دمـیلن بـویی

(قضا و قدر، گک ۹۸ پ، بیت ۹)

نمونه جناس زائد:

غنچه‌خسب و همیشه مست شود
گلش از باده باد دست شود
(همان، گک ۹۷، بیت ۲)

نمونه جناس خط:

جهلش به قضا چو رنگ بی مهری باخت
گردید سموم شعله، بر گلشن تاخت
(همان، گک ۹۷، بیت ۷)

نمونه جناس مضارع:

چون دم شمشیر اجل تیزچنگ
تسند و دل آزار چو تیر خدنگ
(گلشن تحقیق، گک ۳، بیت ۵)

نمونه جناس لاحق:

وحی طرازان ملایک سرود
بی تپش جنبش لب در سجود
(همان، گک ۲، بیت ۴)

نمونه جناس تام:

گیسوی پیچان بتّه معجرش
مار سر گنج شده بر سرش
(همان، گک ۳، بیت ۱)

نمونه جناس مطرف:

بودش از بلبلان صفحه طراز
چمن پرگلی چو گلشن راز
(قضا و قدر، گک ۹۴، بیت ۱۱)

۳-۲-۸. واج آرای

در مواردی که کاربرد جناس در شعر زیاد باشد، به طور طبیعی واج آرای نیز فراوان می‌شود. بیشتر واج آرای‌های کلیات رشید تبریزی با مصوت «آ» و صامت «س» و «ش» است:

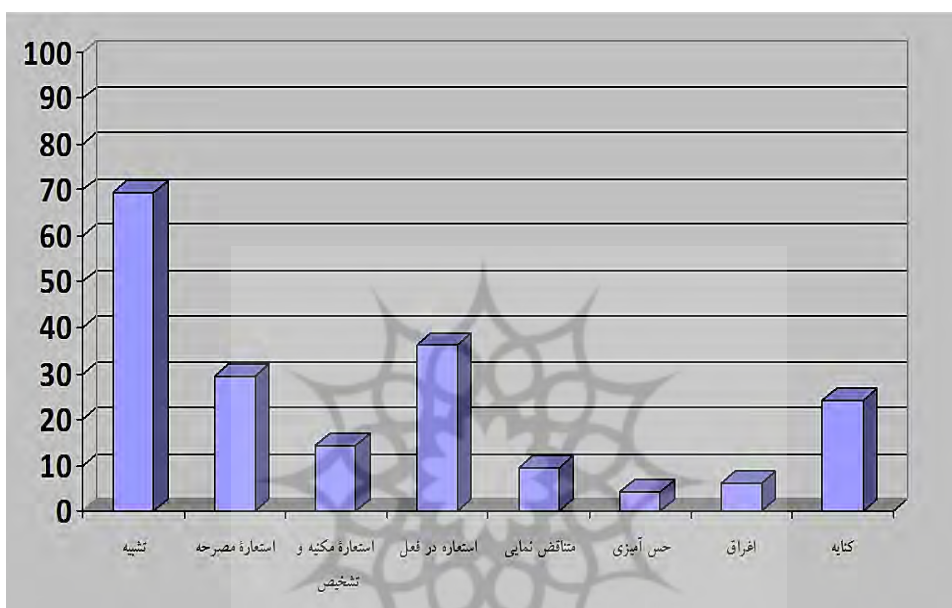
از صداع می خونگرمی خورشید مسیح
جبهه را می کند از مهر تو صندل سایی

(دیوان، گک ۲۲۶، بیت ۳)

چون ز هوشم نمک چشی بچشید
شعله غیرتش زبانسه کشید

(جواهر الاسرار، گک ۱۶۶، بیت ۳)

چون شکار رمیده از دامی	که بیابد مقام آرامی
اهل کشتی چو وحشی دشتی	(نقش ارژنگ، گک ۲۶ پ، بیت ۵)
گهر مهری که بزم افروز رازاست	وحشت آرا شدند در کشتی
	(همان، گک ۵۶ ر، بیت ۸)
	چو شمع آرزو مطلب گداز است
	(حسن گلوسوز، گک ۱۲ پ، بیت ۱۱)



نمودار سبک ادبی رشید تبریزی در حوزه معنایی شعر (بر مبنای نمونه گیری از مثنوی های گلشن تحقیق و قضا و قدر، بر اساس درصد ابیات)

۹. نتیجه گیری

رشید تبریزی از شاعران مهم و برجسته در قرن یازدهم هجری است که علی رغم وجود نسخه های خطی آثارش در کتابخانه های داخل کشور، تاکنون به صورت دقیق بررسی و تصحیح نشده است؛ در حالی که شعر او چه از نظر فکری و زبانی و چه از نظر ادبی در مطالعه تاریخ ادبیات عصر صفوی بسیار اهمیت دارد. به طور کلی مهم ترین ویژگی های شعر رشید تبریزی در حوزه فکری، مدح امام علی (ع)، مدح شاهان صفوی و تهیه ماده تاریخ برای حوادث دربار یا ورود بزرگان، توجه به

مضامین و اصطلاحات سلوکی عرفان و تصوف، گله از روزگار و بی‌رونقی هنر و نااهلی رقیبان، و اندیشه قضاوقدری است. همچنین لحن شعر او به‌ویژه در بخش‌هایی که به بیان احوال خویش می‌پردازد، غم‌بار و یأس‌آلود است. در حوزه زبانی نیز بسامد بالای واژگان عربی بسیط و متداول و پرهیز از ترکیب‌های عربی دشوار، کاربرد واژه‌ها و اعلام جغرافیای فرهنگی هندوستان قدیم، کاربرد واژه‌های ویژه و جدید عصر صفوی و نیز بسامد بالای ترکیب‌سازی‌های بدیع از ویژگی‌های خاص زبان شعر اوست. در حوزه ادبی، بسامد بالای تشبیه به‌ویژه تشبیه بلیغ اضافی و بسامد بالای استعاره در فعل و تصویرهای پویا و دارای حرکت از ویژگی‌های اصلی شعر اوست که در کاربردهای کنایی و انواع اساندهای مجازی شعر او دیده می‌شود. همچنین کاربرد حس آمیزی و بسامد چشمگیر متناقض‌نمایی از ویژگی‌های شعر اوست. در حوزه موسیقی نیز شعر رشید تبریزی بسیار غنی است؛ زیرا در حدود سی درصد ابیات او ردیف دارد و از انواع جناس و واج‌آرایی بهره برده است. با توجه به ویژگی‌های خاص زبانی آثار شاعر، خلاقیت بالای شاعر در ساخت ترکیب‌های بلاغی متنوع و نیز کاربرد گسترده و متنوع صورت‌های بیانی و بدیعی، تصحیح و چاپ کلیات شاعر ضروری است.

پی نوشت:

۱. حروف اختصاری قراردادی که در قلاب آمده است، در معرفی رسم‌الخط به‌جای نام کامل نسخه استفاده می‌شود.
۲. واژه‌ای هندی به معنی موسم بارش است (غیاث‌اللغات).
۳. یوگی، مرتاض هندی (لغت‌نامه دهخدا).
۴. گلبنده نوعی از جامه‌های رنگین است که به هندو باندھنو گویند و شال هندی از جنس این جامه است (غیاث‌اللغات).
۵. این واژه ۵۲ بار در کلیات شاعر آمده است که نشان‌دهنده تأثیر فرهنگ هندی در آثار رشید تبریزی است. «برهمن در سانسکریت به معنی مطلق پیشوایان روحانی است که یکی از سه طبقه مردم در آیین برهمنی است» (حاشیه محمد معین بر برهان قاطع، ذیل مدخل برهمن) و به پیر و مرشد برهمنیان اطلاق می‌شود.
۶. گل نیلوفر در مذهب و اساطیر هند جایگاه ویژه‌ای دارد: «در اساطیر هند چنین آمده است که برهما از گل نیلوفری که از ناف ویشنو روئیده بود، پدیدار شد. سپس برهما داخل ساقه گل نیلوفر شد تا به انتهای آن ساقه برسد؛ ولی چون پس از طی مسافتی دریافت که این راه پایانی ندارد؛ از همان راهی که رفته بود، برگشت» (قرایی، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

۷. شیشه های رنگین که در عمارت خانه و حمام و در تابدان ها تعبیه کنند و آن را آینه جامی نیز می گویند (فرهنگ آندراج).
۸. کشتی کوچک (فرهنگ آندراج).
۹. جقه، بته ای ساخته از پر پرندگان که بر بالای پیش کلاه پادشاهان ایران است (لغت نامه دهخدا).
۱۰. موی پیچیده چون موی زلف و کاکل و خط (فرهنگ آندراج).
۱۱. روگردانی از معشوق (فرهنگ آندراج).
۱۲. درباره غزل سبک هندی و تشبیه تمثیل در آن رک. شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۷۶.



منابع

۱. پادشاه، محمد (شاد). (۱۳۶۳). فرهنگ آندراج، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، چاپ دوم، تهران: خیام.
۲. تبریزی، رشید. (نسخه خطی). کلیات اشعار رشید تبریزی، کتابخانه ملی ملک، به شماره ۵۲۶۶.
۳. _____ (نسخه خطی). جواهرالاسرار، کتابخانه دانشگاه تهران، به شماره ۸۷۶۶.
۴. _____ (نسخه خطی). حسن گلوسوز، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۱۳۴۶۳/۴۸.
۵. _____ (نسخه خطی). حسن گلوسوز، کتابخانه اصغر مهدوی، به شماره ۲۸۴/۶.
۶. جابری نسب، نرگس. (۱۳۸۸). «مهاجرت ایرانیان به هند». فصلنامه مطالعات شبه قاره، ۱، ۲۵-۵۶.
۷. خسروی، حسین. (۱۳۹۷). «بازشناسی ویژگی های سبک هندی»، پژوهش های نقد ادبی و سبک شناسی، ۱ (۳۱)، ۷۵-۱۰۶.
۸. خلف تبریزی، محمدحسین. (۱۳۹۳). برهان قاطع، به کوشش محمد معین، تهران: امیرکبیر.
۹. دانشگاه کمبریج. (۱۳۸۰). تاریخ ایران دوره صفویان، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران: جامی.
۱۰. درایتی، مصطفی. (۱۳۹۱). فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. _____ (۱۳۸۹). فهرست واره دست نوشته های ایران (دنا)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۲. دزفولیان راد، کاظم؛ علی مددی، منا؛ طالبی، معصومه. (۱۳۸۹). «نگاهی جامعه شناختی به انسجام گریزی غزل سبک هندی». فصلنامه تحقیقات زبان و ادب فارسی، ۳، ۵۵-۷۸.
۱۳. دولت آبادی، عزیز. (۱۳۷۷). سخنوران آذربایجان (از قطران تا شهریار)، تبریز: ستوده.
۱۴. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۴). لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. دیهیم، محمد. (۱۳۶۷). تذکره شعرای آذربایجان، جلد دوم، چاپ اول، تهران: چاپ آذربادگان.
۱۶. رامپوری، غیاث الدین محمد. (۱۳۸۸). غیاث اللغات، به کوشش منصور ثروت، چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
۱۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). صور خیال در شعر فارسی، چاپ چهارم، تهران: آگاه.
۱۸. _____ (۱۳۷۶). موسیقی شعر، چاپ پنجم، تهران: آگه.
۱۹. شمیسا، سیروس. (۱۳۹۰ الف). بیان، چاپ اول، ویراست چهارم، تهران: میترا.
۲۰. _____ (۱۳۸۹). انواع ادبی، چاپ چهارم، ویراست چهارم، تهران: میترا.
۲۱. _____ (۱۳۸۳). سبک شناسی شعر، ویرایش دوم، تهران: میترا.
۲۲. _____ (۱۳۹۰ ب). نگاهی تازه به بدیع، چاپ چهارم، ویراست سوم، تهران: میترا.

۲۳. صبا، مولوی محمد مظفر حسین. (۱۳۴۳). *تذکره روز روشن*، به تصحیح و تحشیه محمدحسین رکن زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی.
۲۴. صفوی، کورش. (۱۳۹۰). *از زبان شناسی به ادبیات*، چاپ سوم. تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
۲۵. غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۷). *سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو*، چاپ اول، تهران: جامی.
۲۶. فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۹۱). *سبک شناسی: نظریه ها، رویکردها و روش ها*. چاپ اول. تهران: سخن.
۲۷. قزایی، فیاض. (۱۳۸۵). *ادیان هند*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۸. کاردگر، یحیی؛ بابایی، اعظم. (۱۳۹۸). «بازتاب فرهنگ و ادبیات عامه در منظومه های قضا و قدر فارسی»، *فرهنگ و ادبیات عامه*، ۲۹، ۲۵-۴۸.
۲۹. گلچین معانی، احمد. (۱۳۵۹). *تذکره پیمانه*، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه مشهد.
۳۰. _____ (۱۳۶۹). *کاروان هند*، چاپ اول، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۱. لیکاف، جورج. (۱۳۹۰). «نظریه معاصر استعاره»، ترجمه فرزانه سجودی، در *استعاره: مبنای تفکر و ابزار زیبایی آفرینی*، به کوشش فرهاد ساسانی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
۳۲. منزوی، احمد. (۱۳۹۰). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی*، جلد سوم، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۳۳. _____ (۱۳۸۶). *فهرستواره کتاب های فارسی*، جلد دهم، چاپ اول، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۳۴. مهدوی، مصلح الدین. (۱۳۸۹). *اعلام اصفهان*، به تصحیح غلامرضا نصراللهی، اصفهان: سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان.
۳۵. مؤتمن، زین العابدین. (۱۳۳۹). *تحول شعر فارسی*، چاپ دوم، تهران: شرق.
۳۶. نصرآبادی، میرزاحمد طاهر. (۱۳۵۲). *تذکره نصرآبادی*، تصحیح و مقابله وحید دستگردی، تهران: کتاب فروشی فروغی.
۳۷. نوشاهی، عارف. (۱۳۶۲). *فهرست نسخه های خطی فارسی موزه ملی پاکستان-کراچی*، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۳۸. هدایت، محمود. (۱۳۵۳). *گلزار جاویدان*، تهران: زیبا.
۳۹. پایگاه اینترنتی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران:

COPYRIGHTS

©2021 by the authors, Journal of Persian Language and Literature. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

